

عملیات روانی سایت العربیه بر عرب‌های خوزستان

با تمرکز بر احساس محرومیت نسبی رفاهی

سعید ساسانیان^۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۳

فصلنامه آفاق امنیت / سال یازدهم / شماره سی و هشتم - بهار ۱۳۹۷

چکیده

تغییرات سامانه نظم منطقه‌ای موجب شده است تا عربستان سعودی جهت بازبایی موازنه قوا، تمرکز خود را بر واگراسازی اقوام ایرانی از جمهوری اسلامی ایران شدت بخشد. در این چارچوب، مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که عملکرد بخش عربی وبگاه العربیه (متعلق به عربستان) در قبال قوم عرب استان خوزستان و با محوریت محرومیت نسبی این قوم در حوزه ارزش‌های رفاهی، بر چه مؤلفه‌هایی استوار بوده و در پی چه اهدافی است. بهره‌گیری تلفیقی از مباحث نظری محرومیت نسبی، موازنه‌سازی و عملیات روانی و همچنین مطالعات قومی در نهایت به ارائه مدلی تحلیلی برای پاسخ به این سؤال منجر شده است. هدف این مقاله، شناخت بخشی از عملکرد رسانه‌ای عربستان در قبال قوم عرب استان خوزستان است تا زمینه‌های لازم برای رویارویی هوشمندانه با این تلاش مداخله‌جویانه ریاض فراهم شود. این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی و تحلیل محتوا کوشیده است یافته‌های حاصل از عملکرد العربیه در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ را بررسی نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد در چارچوب ارزش‌های رفاهی، تمرکز العربیه بر مؤلفه‌هایی چون فقر، بیکاری، کمبود منابع لازم برای گذران زندگی همچون آب آشامیدنی، آب موردنیاز برای کشاورزی و هوای سالم است.

واژگان کلیدی: العربیه، احساس محرومیت نسبی، عملیات روانی، واگراسازی اقوام ایرانی، قوم عرب خوزستان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تحولات شتابان سال‌های اخیر منطقه غرب آسیا، یک‌بار دیگر شکننده بودن این منطقه در معادلات بین‌المللی را آشکار ساخته است. کوهن^۱ در تقسیم‌بندی سطوح ساختاری ژئوپلیتیک نظام جهانی، خاورمیانه (غرب آسیا و شمال آفریقا) را به‌عنوان نوار شکننده معرفی کرده و آن را این‌گونه تشریح می‌کند: «مناطق راهبردی که به‌لحاظ داخلی عمیقاً دچار اختلاف و دودستگی بوده و در رقابت میان قدرت‌های بزرگ حوزه‌های ژئواستراتژیک گرفتار شده‌اند.» (کوهن، ۱۳۸۷: ۹۷) غرب آسیا با وجود همه ارزش‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری همچنان واجد شدیدترین بحران‌هاست. در چنین شرایطی، مناسبات میان قدرت‌های منطقه‌ای که عمدتاً در بحران‌های این منطقه، در دو سوی بحران ایستاده‌اند، نیازمند فهمی ساختارمند است. براین‌اساس، می‌توان گفت که موازنه قوا همچنان در منطقه غرب آسیا، قابلیت تحلیلی داشته و مورد رجوع جدی پژوهشگران است. در یک رویکرد کاربردی از موازنه‌سازی^۲ این امر به دو گونه مثبت و منفی صورت می‌گیرد. در موازنه‌سازی مثبت تمرکز بر تقویت خود است و در موازنه‌سازی منفی تضعیف رقیب در دستور کار قرار می‌گیرد. یکی از مواردی که در موازنه‌سازی منفی مورد توجه دولت‌هاست، مداخله در امور داخلی رقیب به‌منظور بی‌ثبات‌سازی آن و افزایش واگرایی گروه‌های قومی و مذهبی از حاکمیت است.

تلاش عربستان برای مداخله در امور قومی ایران در این راستاست. این مقاله می‌کوشد تا اقدامات رسانه‌ای و روانی عربستان از طریق بخش عربی وبگاه العربیه برای واگراسازی قوم عرب ساکن استان خوزستان را مورد کنکاش قرار دهد. این قوم اگرچه عمدتاً شیعه‌مذهب هستند اما هویت قومی و عربی آنها، عربستان را برای نفوذ به‌طمع انداخته است. اعراب خوزستان در یک تحلیل کلی، نقش بسزایی در هشت سال دفاع مقدس ایفا کردند، اگرچه در همان سال‌ها نیز، برخی گروهک‌های تجزیه‌طلب در خدمت دولت بعثی عراق بودند. باین‌وجود، عربستان در شرایط کنونی در تلاش است تا با استفاده از برخی زمینه‌های موجود، این قوم را در مسیر واگرایی از جمهوری اسلامی ایران قرار دهد.

سؤال اصلی این مقاله، ارزیابی عملیات روانی بخش عربی وبگاه العربیه در قبال قوم عرب استان خوزستان با تمرکز بر احساس محرومیت نسبی آنها در حوزه ارزش‌های رفاهی است. فرضیه مقاله بر این مبنا سامان یافته که العربیه ضمن تمرکز بر احساس محرومیت نسبی در ارزش‌های رفاهی، در پی برجسته‌سازی و سیاسی‌سازی این احساس است تا



1. Saul Bernard Cohen
2. Balancing

کنش‌های قومی اعراب را در تقابل با هویت ملی قرار دهد.

روش پژوهش

گام‌های طی شده در مقاله حاضر، مبتنی بر مدل تحلیلی مذکور پیش رفته است. لذا به فراخور و اقتضائات هر گام، روش متمایزی در نظر گرفته شده است. براین اساس، بررسی رویکرد عربستان در قبال ایران در چارچوب موازنه‌سازی منفی، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. در گام بعد و برای فهم نسبت میان محرومیت نسبی، هویت قومی و هویت ملی از مطالعات پیمایشی و فراتحلیل‌های صورت گرفته در این خصوص بهره‌برداری شده است. از سوی دیگر، این مقاله به صورت مستقل به احصای محورهای احساس محرومیت نسبی رفاهی مردم عرب استان خوزستان اقدام نکرده و این نیاز را با استفاده از پژوهش‌های دیگری که در این حوزه انجام شده، برطرف ساخته است. در نهایت، با جستجوی دوکلیدواژه «الأحوال» و «الأهواز» در بخش عربی وبگاه العربیه در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، نتایج حاصله که مرتبط با یافته‌های احصاشده در خصوص حوزه‌های احساس محرومیت نسبی رفاهی بود، در چارچوب پنج شاخص طرح و بررسی شده‌اند. در این مرحله، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. جهت افزایش اعتبار این پنج شاخص، سعی شده است تا از منابع اسنادی (آمارهای رسمی) و اظهارات رسمی مسئولان ذی‌ربط با احتساب عامل زمان (تازگی)، استفاده شود.

چارچوب نظری

این مقاله می‌کوشد تا یک مدل مفهومی جهت فهم نسبت میان موازنه منفی، هویت قومی، احساس محرومیت نسبی اقوام، عملیات روانی و رسانه‌ای و اهداف امنیتی مرجع در کشور آماج عملیات روانی، ارائه کند تا مبتنی بر چنین مدلی بتوان جهت‌گیری رسانه‌ای بخش عربی سایت العربیه وابسته به عربستان سعودی در قبال قوم عرب ساکن در استان خوزستان ایران را تبیین کرد. براین اساس، نخست برخی مفاهیم تشریح و سپس مدل مفهومی مذکور ترسیم می‌شود.

موازنه منفی؛ موازنه‌سازی به معنای راهبرد یک کشور برای تغییر مثبت موضع و موقعیت قدرت نسبی‌اش ضد یک کشور دیگر برای تأمین امنیت در ساختار نظام هرج و مرج گونه نظام بین‌الملل است. موازنه‌سازی به دو صورت مثبت^۱ و منفی^۲ تجلی و

1. Positive Balancing
2. Negative balancing

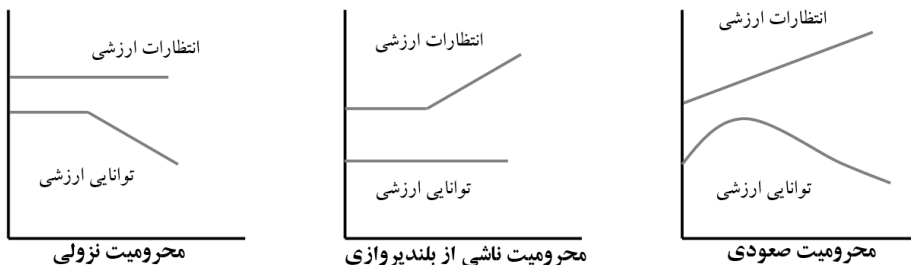
تحقق می‌یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۸۸). موازنه‌سازی منفی از طریق اتخاذ سیاست‌هایی صورت می‌پذیرد که باعث کاهش قدرت دشمن می‌شود. موازنه‌سازی منفی تنها به حوزه نظامی محدود و منحصر نمی‌شود بلکه می‌تواند در حوزه‌های غیرنظامی نیز پیگیری و عملی شود. اجرای طرح‌هایی برای بی‌ثبات کردن رقیب، از جمله مصادیق موازنه‌سازی منفی غیرنظامی است (Steff and Khoo, 2014: 227-228).

هویت قومی؛ تعاریف بسیاری از هویت قومی ارائه شده است. وجه مشترک تمامی این تعاریف، تأکید بر وجود مواردی است که موجب تمایز یک گروه از دیگری می‌شود. به‌عنوان مثال، الطایبی، هویت قومی را مجموعه خاصی از عوامل عینی، ذهنی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و نفسانی می‌داند که در یک گروه انسانی متجلی می‌شود و آن را نسبت به دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد (الطایبی، ۱۳۸۲: ۱۵۸). تعریفی دیگر معتقد است هویت قومی همانند هویت ملی، نوعی شناخت از خود و تمایز با دیگران است و به احساس وفاداری و افتخار به نمادهای قومی همچون زبان، مذهب، آداب و مناسک و مفاخر فرهنگی اطلاق می‌شود (اکوانی، ۱۳۸۷، ۱۰۱).

محرومیت نسبی؛ به‌نظر تد رابرت گر^۱ محرومیت نسبی، برداشت کنشگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی آنهاست (گر، ۱۳۷۷: ۵۴). لذا محرومیت نسبی^۲ به‌صورت احساس کنشگران بر وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود. انتظارات ارزشی را باید مجموعه‌ای از کالاها و شرایط زندگی دانست که مردم خود را مستحق کسب آنها می‌دانند. توانایی ارزشی هم کالاها و شرایطی هستند که مردم بر این باورند که در صورت دراختیارداشتن ابزارهای جمعی قادر خواهند بود آنها را نیز به‌دست آورده و حفظ کنند (گر، ۱۳۷۷: ۳۴). از نمودهای احساس محرومیت نسبی، احساس تبعیض است (نواح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۴۹). گر، در کتاب «تقابل قومیت‌ها و دولت‌ها» (Gurr, 2000) سه نوع تبعیض را از هم تمیز می‌دهد؛ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۳۰ - ۱۲۸). البته محرومیت نسبی از آن‌جاکه یک «حس» است، الزاما همیشه واقعیت ندارد، لذا توجه به این مسئله ضروری است که محرومیت در یک جامعه می‌تواند توهم و یا واقعیت داشته باشد (حاجیانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۱). محرومیت نسبی که اختلاف انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی است، با سه مدل می‌تواند محل تأثیر قرار گیرد.

1. Ted Robert Gurr
2. Relative deprivation





(منبع: گر، ۱۳۹۴: ۷۷ - ۶۸)

از سوی دیگر، سه گونه ارزش می‌تواند محل احساس محرومیت نسبی باشد؛ ارزش‌های بین‌الاشخاصی، ارزش‌های مربوط به قدرت و ارزش‌های رفاهی. باتوجه به تمرکز مقاله حاضر بر ارزش‌های رفاهی، این ارزش‌ها عبارتند از ارزش‌هایی که مستقیماً با رفاه مادی و تحقق نفس در ارتباطند؛ از جمله کالاهای مادی زندگی - غذا، مسکن، خدمت بهداشتی و آسایش مادی - و گسترش توانایی‌های فیزیکی و روانی و استفاده از آنها (گر، ۱۳۹۴: ۴۸).

عملیات روانی؛ تعاریف متعددی از عملیات روانی^۱ ارائه شده است. یک تعریف بر این باور است که عملیات روانی، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و سایر امکانات به‌منظور تأثیرگذاری بر افکار، احساسات، تمایلات و رفتار گروه‌های دوست، دشمن و بی‌طرف برای دستیابی به اهداف ملی است (Daugherty & Janowitz, 1958). دو هدف عمده برای عملیات روانی ذکر شده است؛ نخست، اهداف متمرکزکننده است که سبب تقویت اتحاد و همبستگی میان افراد و گروه‌ها می‌شود و دوم، اهداف تفرقه‌انگیز است که به‌منظور جداکردن گروه هدف از دیگر گروه‌ها یا جامعه و یا از هم پاشیدن یک گروه به‌کار می‌رود و از ابزاری چون یأس و ناامیدی، ایجاد احساس بی‌تفاوتی، ایجاد احساس کینه‌توزی نسبت به نیروی خودی، نبود همکاری، ایجاد ناسازگاری و مخالفت و ایجاد ترس و وحشت، مقاومت فعال و پنهان، تسلیم‌شدن، فرار و پیوستن به دشمن و ترک خدمت بهره می‌برد (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۶). یکی از مهم‌ترین ابزارها در حوزه عملیات روانی، رسانه‌ها هستند. اگر عملیات روانی، دشمن یا رقیب را هدف گرفته باشد، عملاً می‌توان از «جنگ روانی»^۲ بهره برد و بر همین اساس می‌توان از جنگ رسانه‌ای به‌عنوان زیرمجموعه‌ای مهم و اساسی در این حوزه یاد کرد (ضیایی‌پور، ۱۳۹۱).

اهداف مرجع در تهدیدات امنیتی: به‌طور کلی، پنج نوع هدف در تهدیدات امنیتی قابل شناسایی است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶: ۱۳۰ - ۱۲۶):

1. Psychological Operation
2. Psychological warfare

- بقای دولت: به معنای موجودیت کل یکپارچه و به بیان دیگر، مسئله مرگ - زندگی دولت است.

- ایده حاکمیت: می‌تواند به صورت نظریه سیاسی، ایدئولوژی، مکتب سیاسی، مکتب دینی و مذهبی ظاهر گردد. بنابراین، ایده حاکمیت در واقع مبانی، اصول، قواعد تشکیل‌دهنده و دکترین (رهنامه) نظام سیاسی مستقر در یک کشور است.

- نهادهای اساسی حاکمیت: معطوف به نهادهایی است که حاکمیتی هستند؛ یعنی وجود یا عدم وجود آن با ایده حاکمیت کشور مورد نظر ارتباط مستقیم دارد، به گونه‌ای که حذف آن با خدشه اساسی به ایده حاکمیت همراه خواهد بود.

- فیزیک دولت: این هدف را می‌توان به زیرساخت‌های حیاتی، دارایی کلیدی و فضای حیاتی عمومی و حکومتی یک کشور معنا نمود. در این جا زیرساخت‌ها و دارایی‌های عمومی به معنای مواردی است که مدیریت عالی آن در اختیار دولت و منابع، درآمدها یا خدمات آن متعلق به آحاد ملت است.

- هویت ملی: هویت ملی از دین، مذهب، عقاید سیاسی - فکری، فرهنگ، زبان، نژاد، سرزمین، آرمان‌ها و شخصیت‌های نام‌دار ساخته می‌شود. دو عامل اساسی در تبدیل مسائل هویتی به تهدیدات امنیتی نقش دارند؛ اول مسئله تصورات صاحبان هویت است و این که حساسیت‌های آنان در این خصوص چیست؟ دوم، زمانی که مسائل هویتی به کشمکش و منازعه میان دولت - کشورها منجر شود.

مدل مفهومی

بر اساس تشریح صورت‌گرفته در خصوص مفاهیم موازنه منفی، محرومیت نسبی، هویت قومی، عملیات روانی و جنگ رسانه‌ای و در نهایت اهداف مرجع در تهدیدات امنیتی، می‌توان به تبیین نسبت میان این مفاهیم و ارائه یک مدل مفهومی در این خصوص پرداخت.

یک بازیگر برای ایجاد موازنه منفی علیه بازیگر رقیب یا متخاصم، می‌کوشد آن را در حوزه‌های مختلف تضعیف کرده و عملاً قدرت و اقتدار او را کاهش دهد. از جمله مواردی که در چنین فرایندی محل توجه قرار می‌گیرد، تنوع قومی کشور آماج است. هر قدر این کشور به لحاظ قومی، متنوع‌تر و غیرمسنجم‌تر باشد، امکان اعمال نفوذ از سوی بازیگر مهاجم افزایش می‌یابد. علاوه بر این، سیاست‌های قومی کشور آماج هم می‌تواند بر این فرایند مؤثر باشد. سیاست قومی، پویش خطیری است که طی آن، رهبران سیاسی را به مدیریت مسائل و چالش‌های قومی، جلب حمایت گروه‌های قومی و جلوگیری از اتحاد و همراهی آنان با مخالفان داخلی و خارجی وادار می‌کند (Maoz, 2004: 101). سیاست قومی هر چه



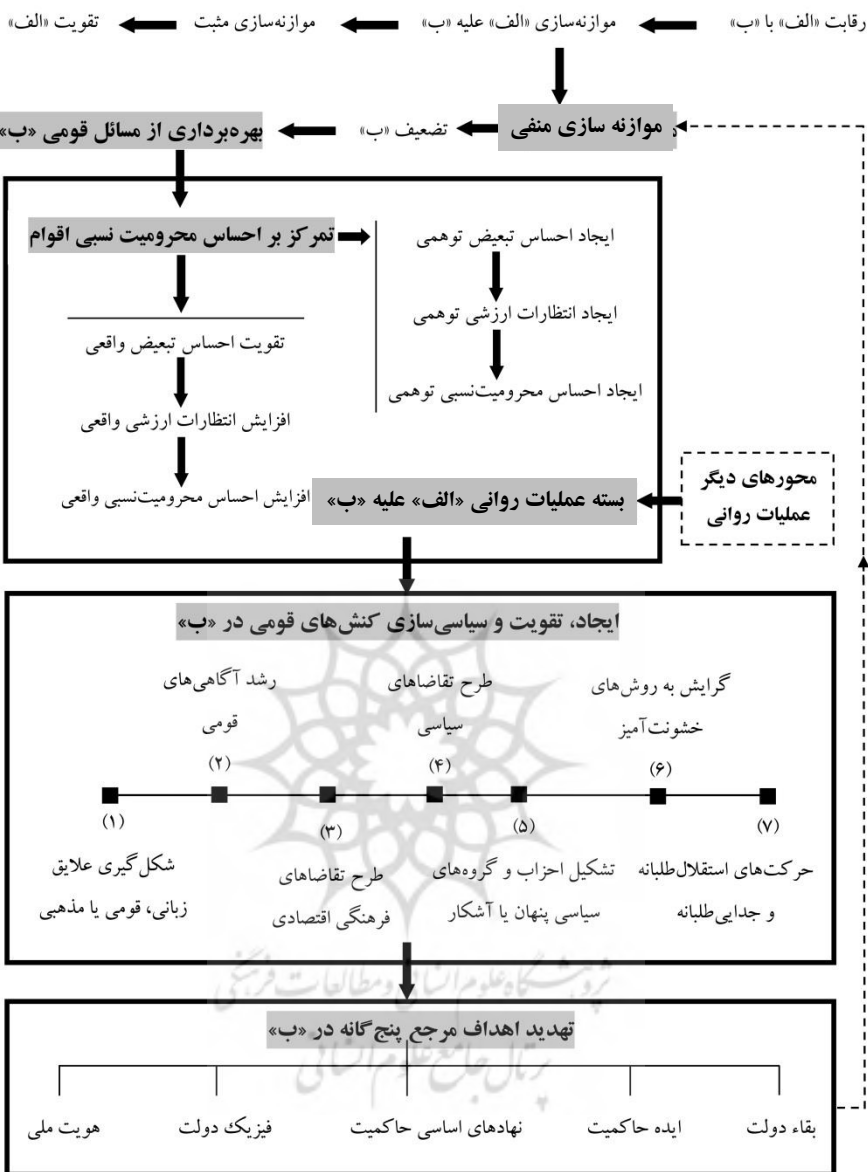
باشد، در نهایت باید مانع از واگرایی اقوام از حکومت مرکزی شده یا واگرایی ایجاد شده را کنترل نماید. هرگونه اختلال در منطق سیاست قومی و یا نحوه اجرای آن، می‌تواند زمینه‌ساز نفوذ بازیگر مهاجم شود. یکی از مواردی که چنین فرصتی را برای بازیگران خارجی فراهم می‌سازد، احساس محرومیت نسبی اقوام ساکن در کشور آماج است. به بیان دیگر هر قدر، این حس قوی‌تر باشد، امکان واگرایی از حکومت مرکزی بیشتر و به گفتهٔ تد رابرت گر، امکان خشونت جمعی تقویت می‌شود (گر، ۱۳۷۷). لذا بازیگر مهاجم جهت ایجاد موازنه منفی علیه بازیگر آماج، می‌کوشد در تشدید این حس نسبی مؤثر واقع شود. تمرکز این بازیگر از دو زاویه بر حس محرومیت نسبی قابل تصور است، نخست تشدید احساس واقعی محرومیت نسبی اقوام کشور آماج و دوم ایجاد احساس محرومیت نسبی توهمی. در هر دو رویکرد، تلاش می‌شود تا فاصلهٔ میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی قوم آماج در حوزه سرزمینی بازیگر مقابل، افزایش یابد. براساس مدل‌های ذکر شده، دو مدل محرومیت ناشی از بلندپروازی و محرومیت صعودی مورد تمرکز بیشتری قرار خواهند گرفت. وجه مشترک این دو مدل، افزایش انتظارات ارزشی است با این تفاوت که در یکی توانایی‌های ارزشی ثابت باقی می‌ماند اما در دیگری توانایی‌های ارزشی پس از یک مسیر صعودی، به کاهش می‌گراید و اثرات فزاینده‌تری بر واگرایی قوم آماج از نظام مستقر می‌گذارد. اگرچه بازیگر رقیب بر میزان توانایی ارزشی نیز اثرگذار است (با رویکردهایی چون تحریم و اخلال‌گری اقتصادی) اما آنچه به صورت جدی در دستور کار بازیگران در چارچوب رقابت و خصومت‌ورزی با یکدیگر قرار می‌گیرد، تمرکز بر انتظارات ارزشی قوم ساکن در سرزمین بازیگر دیگر است تا با افزایش آن، عملاً احساس محرومیت نسبی را بیشتر و زمینه واگرایی و در نهایت کنش خشونت‌آمیز قومی در قبال حکومت رقیب را فراهم سازند. عملیات روانی در این چارچوب، یکی از رویکردهای اصلی بازیگران جهت افزایش انتظارات ارزشی است. از آن جاکه حس محرومیت نسبی اعم از واقعی یا توهمی، یک «حس» است که می‌تواند نشانه‌هایی در عالم واقع و یا تخیل داشته باشد، عمیقاً به ذهنیت‌های افراد جامعه مرتبط است. این ذهنیت‌ها و تصاویر ذهنی از امکانات مادی و معنوی که حاکمیت در اختیار اقوام قرار داده است و همچنین تلقی آنها از ظرفیت‌ها و استعداد‌های خود، عملاً زمینه را برای عملیات روانی بازیگر مهاجم فراهم می‌سازد تا با تمرکز بر اقوام، زمینه واگرایی آنها از حاکمیت را فراهم سازند. تد رابرت گر در این خصوص معتقد است هنگامی که محرومیت نسبی در گروه‌های هدف افزایش می‌یابد، آمادگی آنها برای تجدیدنظر در باورداشت‌ها و تغییر نگرش خود، فزونی می‌یابد. براین اساس می‌توان این گزاره را مفروض گرفت که بازیگر مهاجم در عملیات روانی خود و

مشخصاً با استفاده از رسانه‌هایش، می‌کوشد در برخورد با ذهنیت‌هایی که بر امنیت ملی و ثبات کشور آماج، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارند، پیام‌رسانی خود را بر بستری از آسیب‌ها، شکاف‌ها و دستاویزهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی سوار کند (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۰). در صورت موفقیت عملیات روانی و رسانه‌ای بازیگر حریف و عدم اقدام مقتضی از سوی کشور آماج، عناصر خاص هویتی قوم مورد هدف، برجسته شده و آن قوم در تقابل نسبی با حکومت مرکزی قرار خواهد گرفت. در چنین حالتی، طیفی از کنش‌های انتقادی و اعتراضی از سوی برخی اعضای آن قوم صورت خواهد گرفت (حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۲۲). عملیات روانی و رسانه‌ای بازیگر مهاجم با تمرکز بر احساس محرومیت نسبی واقعی و توهمی اعضای یک قوم، در صورت موفقیت و ایجاد زمینه برای تحقق کنش‌های قومی ذکر شده، در نهایت می‌تواند اهداف مرجع را مورد تهدید قرار دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





نمودار ۱: مدل مفهومی موازنه‌سازی بازیگر مهاجم با بهره از احساس محرومیت نسبی اقوام کشور آماج

احساس محرومیت نسبی اقتصادی و امکاناتی

در ادامه تلاش می‌شود تا مبتنی بر مدل مفهومی مذکور، عملیات روانی بخش عربی وبگاه العربیه متعلق به عربستان سعودی در بازه زمانی ابتدای سال ۲۰۱۶ تا انتهای سال

۲۰۱۷ بر قوم عرب ساکن در استان خوزستان و با تمرکز بر احساس محرومیت نسبی در حوزه ارزش‌های رفاهی ارزیابی شود.

عربستان و موازنه منفی علیه ایران با تمرکز بر اقوام

با وجود تمامی تلاش‌های صورت‌گرفته از سوی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تحکیم روزافزون هویت ملی در کشور، به دلیل تنوع مذهبی و قومی ایران به‌خصوص در نواحی مرزی که اقتضات امنیتی خاص خود را دارا هستند، بازیگران رقیب و یا متخاصم، بالقوه از امکان نفوذ به‌معنای عام برخوردارند. برهمن‌اساس، برخی از پژوهشگران حوزه اقوام ایرانی، دخالت بیگانگان را در کنار ضعف دولت مرکزی و فعالیت نخبگان قومی، عاملی مهم در شکل‌گیری جنبش‌های قومی می‌دانند (احمدی، ۱۳۷۸، ۹۳). عربستان سعودی یکی از این بازیگران مداخله‌گر است. در میان ساختارها و کارگزاران سیاست خارجی عربستان، ایران به‌عنوان تهدید درک شده است و برهمن‌اساس، الگوی رفتاری ریاض نسبت به تهران، واگرایانه است و این امر با روی کارآمدن سلمان بن عبدالعزیز تشدید شده است (احمدیان، ۱۳۹۵). این واقعیت با تغییراتی که در سامانه نظم منطقه‌ای صورت گرفت و همچنین با امضای توافق هسته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو ۵+۱ تشدید نیز شده است. این توافق از منظر نخبگان سیاسی عربستان به خروج ایران از انزوا منجر شده، و به احیای اعتبار بین‌المللی ایران انجامیده است و براین‌اساس، عربستان آن را ضربه‌ای به جایگاه انحصاری خود در منطقه به‌عنوان متحد اصلی امریکا تفسیر می‌کند (Al-Rasheed, 2015, 38).

مبنتی بر چنین فهمی، عربستان می‌کوشد تا برای مهار ایران و ایجاد یک موازنه مطلوب قدرت در منطقه، علاوه بر مؤلفه‌های گوناگون، از برخی ویژگی‌های درونی ایران که برای او به‌مثابه فرصت هستند، بهره جوید. تنوع قومی و مذهبی در مناطق مرزی ایران یکی از این موارد است. در دکترین (رهنامه) دفاعی این کشور که با همکاری اندیشکده بلفر^۱ طراحی و تدوین شده، آمده است: «عربستان سعودی به محدودسازی نفوذ ایران در منطقه از طریق ضعف‌های ذاتی آن ادامه خواهد داد. به‌ویژه که روابط قومی - مذهبی داخل ایران نشانگر موزائیکی از رقابت‌های متنوع گروه‌های قومی و مذهبی در آن است. در یک جمله می‌توان گفت که این گروه‌ها بر سر قدرت و منافع، در تضاد آشکار با یکدیگر می‌باشند.» (Obaid, 2014, 14)

تمرکز عربستان بر ارتباط‌گیری، تعریف و برجسته‌سازی نقاط انتقادی و اعتراضی گروه‌های قومی و مذهبی، می‌تواند به‌طور معناداری قدرت نرم و اقتدار منطقه‌ای ایران در



معادلات منطقه‌ای را دستخوش تغییر سازد. براین اساس، عربستان در قبال قوم عرب ایران که عمدتاً در استان خوزستان ساکن است، حساس بوده و می‌کوشد با اعمال نفوذ بر آنها، زمینه واگرایی آنان از حاکمیت را بیشتر سازد. سه مؤلفه شاخص را می‌توان در میان عرب‌های خوزستان از یکدیگر تفکیک نمود؛ عرق ملی ایرانی، تشیع (تقریباً تمامی اعراب خوزستان شیعه‌مذهب هستند) و عربیت. به لحاظ نظری دو عامل نخست را می‌توان عامل بالفعل هم‌گرایی اعراب خوزستان با ایران و عامل سوم را به‌طور بالقوه می‌توان عامل واگرایی نامید. سرمایه‌گذاری عربستان روی همین عامل واگرایی یعنی ناسیونالیسم عربی بوده است (نجفی فیروزجایی، ۱۳۸۸: ۷۵).

احساس محرومیت نسبی رفاهی در عرب‌های خوزستان

پژوهش‌های متعددی درخصوص نسبت میان هویت قومی و هویت ملی در ایران صورت گرفته است. برخی از این پژوهش‌ها با تمرکز بر یک یا چند قوم در ایران، عمدتاً با روش‌های پیمایشی در پی شناخت عواملی بوده‌اند که موجب برجستگی هویت قومی در مقابل هویت ملی می‌گردند. جعفرزاده و حیدری (۱۳۹۳) در تحقیقی باعنوان «فراتحلیل^۱ رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران» به بررسی و تبیین رابطه بین هویت ملی و هویت قومی در ایران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها به تفکیک قومیت‌ها حاکی از وضعیت‌های متفاوتی بین اقوام مختلف در کشور است. این فراتحلیل که تمرکزش بر پایان‌نامه‌ها و سپس مقالات مرتبط با نسبت میان هویت ملی و هویت قومی در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ می‌باشد، می‌گوید در بررسی‌هایی که «احساس محرومیت نسبی» در اقوام را مورد مطالعه قرار داده‌اند، رابطه بین دو نوع هویت ملی و قومی، معکوس و واگرا گزارش شده است. به بیان دیگر با افزایش محرومیت نسبی، هویت قومی در مقابل هویت ملی برجسته‌تر خواهد شد. به گفته این فراتحلیل، به‌صورت مشخص، پژوهش‌هایی که مطالعه موردی خود را بر قوم عرب در استان خوزستان متمرکز کرده‌اند، عمدتاً به این نتیجه رسیده‌اند که محرومیت نسبی یکی از عواملی است که منجر به برجستگی هویت قومی در قبال هویت ملی می‌شود. به‌عنوان مثال، ربانی و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیقی باعنوان «رابطه هویت ملی و قومی بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی ایران» به این جمع‌بندی رسیده‌اند که میان متغیر احساس محرومیت نسبی و هویت قومی، رابطه مثبت و میان این متغیر با هویت ملی، رابطه منفی برقرار است. پژوهش دیگری باعنوان «تأثیر محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی، مطالعه موردی: اعراب استان

۱. فراتحلیل یا فراپژوهش داده‌های به‌دست‌آمده از پژوهش‌های مختلف را یکجا گردهم می‌آورد و آنها را به‌عنوان یک مجموعه داده تحلیل می‌کند.

خوزستان» بر این باور است که با افزایش احساس محرومیت نسبی، هویت قومی میان مردم عرب استان خوزستان تشدید شده و در پی آن، برخی جنبه‌های هویت ملی آنان کاهش می‌یابد (نواح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۶). پژوهش دیگری در سال ۱۳۸۸ همین نتیجه را در خصوص نسبت محرومیت نسبی و هویت ملی و هویت قومی تکرار کرد (لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸).

مقاله حاضر، بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، رابطه مثبت میان احساس محرومیت نسبی قوم عرب در استان خوزستان با هویت قومی آنها و رابطه منفی این متغیر با هویت ملی آنان را فرض می‌گیرد. اما سؤال قابل طرح این است که اعراب استان خوزستان، در چه حوزه‌هایی احساس محرومیت نسبی دارند؟ و آیا اقتصاد و امکانات اولیه مورد نیاز زندگی و به صورت عمومی‌تر، ارزش‌های رفاهی یکی از این حوزه‌هاست یا خیر؟

نواح و تقوی‌نسب در سال ۱۳۸۸ با روش پیمایشی، فهرستی از مواردی را که مردم عرب خوزستان نسبت به آنها احساس محرومیت نسبی دارند، احصا کرده‌اند. آنها با حجم نمونه آماری ۳۸۴ نفره از اعراب اهواز، پژوهش خود را سامان دادند. در این پژوهش، علاوه بر فرهنگ و سیاست، اقتصاد هم یکی از حوزه‌های احساس محرومیت نسبی عرب‌های استان خوزستان معرفی شده است. برخی از گویه‌های اقتصادی مورد پیمایش که با درصد بالایی از سوی نمونه آماری مورد تأیید قرار گرفته و نشان‌دهنده محرومیت نسبی در میان آنان می‌باشد، به شرح زیر است (نواح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۸: ۲۰۷-۱۳۳)؛

۱ - به نظر من، از امکانات استان خوزستان مانند نفت و تولید برق جهت آبادانی این استان استفاده نمی‌شود (۸۳/۳ درصد موافق و کاملاً موافق).

۲ - با وجود آنکه استان خوزستان یکی از استان‌های مهم کشور است، ولی به آن رسیدگی نمی‌شود (۸۵/۹ درصد موافق و کاملاً موافق).

۳ - به طور کلی، استان خوزستان به لحاظ امکانات در موقعیت نسبتاً خوبی قرار دارد (۶۶/۲ درصد مخالف و کاملاً مخالف).

۴ - عرب و غیرعرب در رسیدن به موفقیت مالی، شرایط برابر دارند (۴۸/۹ درصد مخالف و کاملاً مخالف به همراه ده درصد که فاقد نظرند).

۵ - مناطق عرب‌نشین، نسبت به مناطق دیگر، امکانات کم‌تری دارند (۷۷/۴ درصد موافق و کاملاً موافق).

۶ - وضع معیشت منطقه‌های کاملاً عرب‌نشین، مناسب است (۷۷/۴ درصد مخالف و کاملاً مخالف).

۷ - برخی افراد معتقدند که عرب‌های خوزستان در فقر زندگی می‌کنند (۷۱/۱ درصد



موافق و کاملاً موافق).

۸ - به نظر من بیکاری در میان قوم عرب زیاد است (۸۱/۳ درصد موافق و کاملاً موافق).
براساس پژوهش دیگری که در سال ۱۳۹۳ برای فهم نسبت میان هویت قومی و هویت ملی در ایران صورت گرفت، نتایج مشابهی درخصوص نقش متغیر احساس محرومیت نسبی اقتصادی در برجستگی هویت قومی عرب‌های استان خوزستان دربر داشت. این پژوهش که براساس مصاحبه‌های میدانی و نهایتاً با روش داده‌بنیاد (گرنند تئوری) صورت گرفته، ضمن احصای سایر عوامل مؤثر بر رابطه میان دو هویت ملی و قومی، به این نتیجه رسیده است که احساس محرومیت نسبی اعراب خوزستان علاوه بر برخی مؤلفه‌های سیاسی، در حوزه اقتصادی نیز وجود دارد (جعفرزاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۵). علاوه بر دو موضوع فقر و بیکاری، براساس گویه‌های اقتصادی که در بالا آمد (مشخصاً گویه شماره پنج)، می‌توان به این نتیجه رسید که کمبود امکانات در این استان، یکی از مواردی است که زمینه‌ساز تولید احساس محرومیت نسبی در میان قوم عرب شده است.

ارزیابی عملیات روانی العربیه بر قوم عرب خوزستان

پس از بررسی احساس محرومیت نسبی در حوزه ارزش‌های رفاهی در قوم عرب ساکن در استان خوزستان که مبتنی بر یافته‌های پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه بود، گام بعدی مقاله، ارزیابی عملیات روانی العربیه با تمرکز بر این احساس در عرب‌های خوزستان است. براین‌اساس، دو کلیدواژه «الأحواز» و «الأهواز»^۱ در بخش عربی وبگاه العربیه و در فاصله زمانی ابتدای سال ۲۰۱۶ تا انتهای سال ۲۰۱۷ میلادی جستجو شدند. به‌صورت عمومی، العربیه از این دو واژه در مطالب مرتبط با استان خوزستان بهره می‌برد. نتایج جستجوی صورت‌گرفته به شرح زیر است؛

جدول ۱: فراوانی دو کلمه «الأحواز» و «الأهواز» در بخش عربی وبگاه العربیه

کلید واژه‌ها	اخبار	مقاله	گزارش تصویری	فیلم	مجموع
الأهواز	۱۸۱	۲۳	صفر	۵	۲۰۹
الأحواز	۳۲	۳۶	صفر	۱۱	۷۰

در بررسی ۲۷۹ مطلب منتشرشده روی بخش عربی العربیه با دو کلیدواژه فوق، در ۳۹ مطلب به مسائلی اشاره شده که به احساس محرومیت نسبی در ارزش‌های رفاهی نزدیک

۱. باتوجه‌به اینکه گروه‌های تجزیه‌طلب عربی در استان خوزستان و همچنین شبکه العربیه، بر دو کلمه «الأحواز» و «الأهواز» اصرار داشته و آنها را جایگزین «خوزستان» و شاخصی هویتی برای ادعاهای خود می‌دانند، این دو کلیدواژه در بخش عربی وبگاه العربیه جستجو شده است.



است. با محوریبایی این مسائل و با عطف به یافته‌های حاصل از پژوهش‌های صورت گرفته در این خصوص (که پیش‌تر ذکر شد)، می‌توان آنها را در پنج گروه قرار داد؛ فقر، بیکاری و حقوق معوقه، کمبود امکانات مانند آب آشامیدنی، برق و گاز، آلودگی هوا و کمبود آب برای زمین‌های زراعی. العربیه، این پنج گروه و به‌خصوص دو گروه آخر را نتیجه سیاست‌های عامدانه جمهوری اسلامی ایران برای کاهش جمعیت عرب‌های استان خوزستان (از طریق گسترش سرطان و یا مهاجرت‌های اجباری) معرفی می‌کند. عمده‌ترین مبنای العربیه برای تمرکز بر این پنج گروه، ثروت خدادادی عظیمی است که در استان خوزستان و مناطق عرب‌نشین این استان وجود دارد. اگرچه برخی از این موارد مانند فقر، بیکاری و وضعیت وخیم کشاورزی به یکدیگر ربط معنایی و عینی دارند، اما میزان تأکید بخش عربی و بگاه العربیه بر هر یک از آنها متفاوت است. با بررسی صورت گرفته و با این ملاحظه که در یک مطلب امکان تأکید و اشاره بر بیش از یک موضوع وجود دارد، نتیجه زیر حاصل شد.

جدول ۲: میزان اشاره و تأکید بر محورهای پنج‌گانه اقتصادی و معیشتی در بخش عربی و بگاه العربیه

مجموع	الأحوال	الأهواز	محورهای پنج‌گانه اقتصادی و معیشتی
۹	۲	۷	فقر
۱۷	۵	۱۲	بیکاری و حقوق معوقه
۱۲	۲	۱۰	کمبود امکانات مادی
۲۰	۶	۱۴	آلودگی هوا
۱۳	۷	۶	کمبود آب برای زمین‌های زراعی
۷۱	۴۹	۲۲	مجموع

در ادامه هریک از محورهای پنج‌گانه با ذکر نمونه‌هایی از مطالب منتشرشده در سایت العربیه تشریح می‌شود. در این چارچوب، العربیه می‌کوشد حس واقعی تبعیض را که در برخی‌گویه‌های ذکرشده در بالا نیز قابل مشاهده بود، تقویت کند. بزرگ‌نمایی برخی ناکارآمدی‌ها و «غیر» نمایی قوم عرب برای جمهوری اسلامی ایران، منجر به تقویت حس تبعیض در قوم عرب می‌شود. ازسوی دیگر، تأکید بر ثروت عظیم نهفته در استان خوزستان می‌تواند زمینه‌ساز تقویت انتظارات ارزشی این قوم شده و درنهایت، احساس محرومیت نسبی که در این قوم وجود دارد، برجسته‌تر شود. واقعیت این است که العربیه کم‌تر در حوزه ارزش‌های رفاهی در پی ایجاد احساس محرومیت نسبی غیرواقعی و توهمی است.



گردانندگان العربیه اگرچه در حوزه فرهنگی و سیاسی چنین رویکردی را در عمل پیاده می‌سازند اما در حوزه کارکردی و معیشتی، عمدتاً با روایت‌های غیرواقعی در پی آنند تا احساس محرومیت نسبی قوم عرب استان خوزستان را به عرب‌بودن آنان گره زده و سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران را تبعیض‌آمیز جلوه دهند.

فقر؛ در خصوص فقر در استان خوزستان، آمارهای معناداری وجود دارد که باتوجه‌به حجم ذخایر زیرزمینی در این استان، این آمارها می‌تواند در احساس محرومیت نسبی مردم این استان از جمله اعراب، مؤثر باشد. معاون مشارکت‌های مردمی کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان خوزستان گفته است براساس آمار و ارقام، خوزستان جزو چهار استان نخست کشور در زمینه نیازمندی است (خبرگزاری ایکن، ۱۸ تیر ۱۳۹۳). گزارش مرکز آمار ایران در خصوص هزینه‌ها و درآمدهای استان‌های کشور در سال ۱۳۹۶، گویای وضعیت نامطلوب استان خوزستان نسبت به سایر استان‌هاست. اختلاف هزینه‌ها و درآمد برای یک خانواده شهری در استان خوزستان، کم‌تر از میانگین کشوری است و از این منظر، در میان ده استانی قرار دارد که کم‌ترین اختلاف میان هزینه‌ها و درآمدهای یک خانواده شهری را دارا هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷: ۲۰). این در حالی است که استان خوزستان مهم‌ترین استان کشور در حوزه ذخایر نفتی و گازی است و ظرفیت‌های بالقوه بالایی در این حوزه دارد.

اما منطق عملیات روانی العربیه با تمرکز بر «فقر» در مناطق عرب‌نشین استان خوزستان این‌گونه است؛ «اقلیم اهواز یا احواز یا عربستان، در جنوب غربی ایران واقع شده و اقلیمی غنی از نفت و گاز است. ایران اکنون حدود ۴ میلیون بشکه نفت به‌صورت روزانه از این منطقه صادر می‌کند درحالی‌که ساکنان این اقلیم به‌دلیل تبعیض نژادی که حکومت ایران بر آنها تحمیل می‌کند، در شرایط سخت اقتصادی هستند.» (العربیه، ۴ ژانویه ۲۰۱۷). درواقع العربیه بخشی از واقعیت را به‌درستی بازگو می‌کند؛ غنی‌بودن مناطق جنوب غربی ایران از نفت و گاز و ادعایی که برخی آمارهای ایرانی نیز درخصوص محرومیت و فقر مردم این منطقه، آن را مطرح می‌کنند. البته العربیه باتوجه‌به نیت خصمانه‌ای که دارد، در بیان این واقعیت، بزرگ‌نمایی را نیز در دستور کار قرار داده است. اما تأکید العربیه بر اینکه فقر موجود در این مناطق ناشی از «تبعیض نژادی» است که جمهوری اسلامی ایران در حق مردم عرب روا می‌دارد، مهم‌ترین وجه القایی در عملیات روانی آن است. به‌همین دلیل، العربیه پس از یادآوری ثروت نهفته در جنوب غربی ایران، با بیان اینکه سیاست‌های ایران در قبال قوم عرب، تبعیض‌آمیز است، از ناتوانی اقتصادی ۹۰ هزار کودک در استان خوزستان سخن می‌گوید که قادر به تحصیل نیستند (العربیه، ۵

نوامبر ۲۰۱۶). سهم فقر در ۷۱ بار اشاره و تأکید العربیه بر موضوعات پنج‌گانه احساس محرومیت نسبی رفاهی، ۹ بار است. از این منظر، کم‌ترین اشاره مستقیم العربیه، به فقر بوده است.

بیکاری و حقوق معوقه: فارغ از عملکرد العربیه، مسئله بیکاری در استان خوزستان مورد تأکید برخی مسئولان این استان نیز هست. براساس گزارش مرکز آمار ایران از نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۶، استان خوزستان با ۱۴/۷ درصد، پس از استان‌های کرمانشاه و چهارمحال بختیاری، در رتبه سوم قرار دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶: ۴۱). آیت‌الله محسن حیدری نماینده منتخب مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری هم در خردادماه ۱۳۹۵ با بیان اینکه آمارهایش را از مسئولان پتروشیمی بندر امام و ماهشهر اخذ کرده است، گفت: «از میان ۲۲ شرکت پتروشیمی ماهشهر و بندر امام حتی یک مدیر خوزستانی وجود ندارد و تمامی مدیران این شرکت‌ها مدیران پروازی هستند. حتی بین مدیران میانی این شرکت‌ها نیز تنها ۱۵ نفر خوزستانی‌اند؛ این در حالی است که تعداد زیادی از افراد تحصیل کرده در استان خوزستان حضور دارند اما از آنها استفاده نمی‌شود. حتی کارشناسان این شرکت‌ها نیز تنها ۳۰ درصدشان خوزستانی و ۷۰ درصد غیربومی هستند. این در حالی است که شرکت‌های فضای سبز و آشپزخانه‌ای استان خوزستان هم غالب کارکنان خود را از خارج استان جذب می‌کنند» (خبرگزاری ایسنا، ۳ خرداد ۱۳۹۵).

تأکید مداوم العربیه بر ثروت خدادادی مناطق عرب‌نشین استان خوزستان و از همه مهم‌تر، وجود چشم‌گیر صنعت نفت در این مناطق، باعث شده تا برجسته‌سازی مسئله بیکاری در قوم عرب، در دستور کار این وبگاه قرار گیرد. العربیه می‌کوشد این‌گونه وانمود کند که با وجود صنایع نفتی و پتروشیمی در استان خوزستان، آمار بیکاری بالاست. این گزاره البته همان‌طور که آمد، مورد تأکید یکی از نمایندگان استان خوزستان در مجلس خبرگان نیز هست اما وجه تمایز معنادار العربیه، برقراری پیوند میان این آمارها و سیاست قومی جمهوری اسلامی ایران است. العربیه در این خصوص می‌نویسد: «اعضای مجلس ایران می‌گویند که نسبت کارگران اهوازی در تأسیسات نفتی در منطقه، از ده درصد تجاوز نمی‌کند و به‌رغم وجود ۸۳ شرکت نفتی و خدماتی و عمرانی، همه آنها خارج از اهواز هستند و از ۸۲۵۰ کارگر و کارمند در تأسیسات نفتی، اعراب تنها ۵ درصد آنها را تشکیل می‌دهند. درحالی‌که سرمایه‌گذاری در بخش نفت به ۶ میلیارد دلار می‌رسد، براساس گزارش رسمی مرکز آمار ایران، ۶۶ درصد از اهوازی‌های قادر به کار، بیکار هستند» (العربیه، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۶). حقوق عقب‌افتاده کارمندان و کارگران، از دیگر مواردی است که به حوزه اشتغال مرتبط بوده و مورد تأکید العربیه است (العربیه، ۲۸ فوریه ۲۰۱۷).



بیکاری و حقوق‌های معوقه، مجموعاً ۱۷ بار در تاریخ مورد بررسی این مقاله، مورد اشاره و تأکید مستقیم العربیه قرار گرفته است و از این منظر، رتبه دوم را داراست.

کمبود امکانات مادی؛ کمبود امکانات مادی اولیه برای زندگی قوم عرب، دیگر محوری است که العربیه در عملیات روانی خود به آن پرداخته است. استان خوزستان با وجود ذخایر عظیمی که در آن نهفته، همواره مشکلاتی در این حوزه داشته است. نماینده شهر شوش که بخشی از جمعیت آن را اعراب تشکیل می‌دهند، گفته است، بخش قابل توجهی از روستاهای حوزه انتخابیه‌اش، در گرمای بالای ۵۰ درجه آب شرب ندارند و علی‌رغم دستور وزیر نیرو اقدامی برای رفع این مشکل صورت نگرفته است (خبرگزاری تسنیم، ۶ تیر ۱۳۹۶). مشکلات در حوزه آب، در بهار و تابستان ۱۳۹۷ به اوج خود رسید تا جایی که موجب برخی ناآرامی‌های اجتماعی نیز گردید. کارون همواره به‌عنوان رودی پرآب در ذهن مردم نقش بسته اما به گفته مدیرعامل آبفای خوزستان کاهش چهل درصدی بارندگی و پایین آمدن سطح این رودخانه باعث پیشروی آب دریا به سمت رودخانه شده که نتیجه آن افزایش شوری آب کارون در حد آب دریاست؛ اتفاقی که موجب شده حتی بعد از فرایند تصفیه، آب این رودخانه قابل آشامیدن نباشد. مسئولان و کارشناسان با پذیرش این نقص، بنا دارند در چارچوب طرح غدیر، منبع آب شرب را از کارون به کرخه و در بلندمدت به سد دز انتقال دهند (خبرگزاری ایسنا، ۱۷ تیر ۱۳۹۷). در حوزه برق و گاز هم چنین محدودیت‌های مشابهی دیده می‌شود.

العربیه در این خصوص هم تأکیدش بر ذخایر غنی استان خوزستان و وجود تبعیض در سیاست‌های ایران است. این سایت می‌نویسد: «منطقه اهواز عربی در ایران از قطعی مداوم برق و آب رنج می‌برد که این امر منجر به تعطیلی مدارس و ادارات دولتی در ۱۱ شهر در این منطقه انجامیده است. اگرچه این منطقه ۳۵ درصد از ثروت آب ایران را دارا بوده و عمده برق این کشور را تأمین می‌کند اما از سال‌های گذشته از کمبود آب و برق رنج می‌برد» (العربیه، ۱۱ فوریه ۲۰۱۷). العربیه حتی به نبود خدمات بهداشتی و پزشکی در این مناطق هم اشاره کرده است که به گفته این سایت، یکی از دلایل اعتراضات خیابانی مردم بوده است (العربیه، ۱۴ فوریه ۲۰۱۷). میزان اشاره مستقیم العربیه به کمبود امکانات مادی برای زندگی مانند برق، آب آشامیدنی و خدمات بهداشتی، ۱۲ بار است.

آلودگی هوا؛ هوای سالم را می‌توان جزو نیازهای اولیه برای ادامه حیات در یک منطقه جغرافیایی دانست. در این مقاله، هوای سالم با تسامح به‌عنوان یک امکان نگریسته شده است و با توجه به میزان تأکید العربیه، به‌صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد. طی سال‌های اخیر برخی مناطق ایران از جمله استان خوزستان و شهر اهواز، با پدیده ریزگردها

مواجهه شده‌اند. یکی از مواردی که می‌تواند به تبدیل نارضایتی مردم عرب خوزستان به احساس محرومیت نسبی منجر شود، احساس تبعیض است. به بیان دیگر، مردم خوزستان از جمله قوم عرب این استان، اگر به این باور برسند که آلودگی هوای ناشی از ریزگردها به دلیل تبعیض رواداشته شده در حق آنان از سوی جمهوری اسلامی است، این امر می‌تواند باتوجه به داشته‌های سرزمینی، زمینه‌ساز تولید احساس محرومیت نسبی باشد. العربیه می‌کوشد در این حوزه ایفای نقش کند. این وبگاه با روایت‌های قوم‌محور خود در پی القای این گزاره به قوم عرب استان خوزستان است که جمهوری اسلامی ایران با انحراف عامدانه مسیر رودخانه‌ها در پی افزایش آلودگی هوا در اهواز و مناطق عرب‌نشین استان است تا ضمن افزایش بیماران مبتلا به سرطان، زمینه مهاجرت اجباری اعراب را فراهم سازد (العربیه، ۸ دسامبر ۲۰۱۶، ۱۹ جولای ۲۰۱۶ و ۲۸ فوریه ۲۰۱۷). از ۷۱ اشاره و تأکید بخش عربی وبگاه العربیه به مسائلی که ذیل محرومیت نسبی رفاهی جای می‌گیرد، آلودگی هوا با فراوانی ۲۰، بیشترین تأکید را به خود اختصاص داده است.

کمبود آب برای زمین‌های زراعی؛ واقعیت این است که خشکسالی و عدم مدیریت صحیح آب اکنون زمینه کاهش کشاورزی در خوزستان را فراهم کرده است. رئیس سازمان جهاد کشاورزی خوزستان در دی‌ماه ۱۳۹۶ از منازعات آبی میان شهرهای خوزستان خبر داد و گفت این در حالی است که زمانی خوزستان، یک‌سوم آب‌های جاری کشور را در خود داشت (خبرگزاری ایسنا، ۲ دی ۱۳۹۶). وی تصریح کرد که براساس آمار و مستندهای موجود، سال زراعی ۹۷ - ۹۶ یکی از بی‌سابقه‌ترین خشکسالی‌های ۶۰ سال اخیر بود؛ ۹۶ درصد از مساحت خوزستان در خشکسالی بسیار شدید و ۴ درصد آن در خشکسالی شدید قرار دارد (خبرگزاری مهر، ۲۲ خرداد ۱۳۹۷).

العربیه باز هم با محوریت قراردادن آنچه سیاست‌های تبعیض‌آمیز جمهوری اسلامی ایران علیه قوم عرب می‌نامد، در تلاش است تا با اشاره به داشته‌های آبی و خاکی مناطق عرب‌نشین، احساس محرومیت نسبی این قوم را در این حوزه تقویت کند و لذا کم‌ترین اشاره‌ای به کاهش نزولات جوی و نقش آن در وضعیت فعلی نداشته و صرفاً مدیریت منابع آبی را مورد تمرکز قرار می‌دهد. کریم عبدیان بنی‌سعید یکی از چهره‌های تجزیه‌طلب عرب در مقاله‌ای در العربیه نوشته است که جمهوری اسلامی ایران با سوءمدیریت منابع آب و کثرت سدهای ساخته‌شده روی رودخانه‌ها و برنامه‌های متعدد انتقال آب رودخانه‌ها به استان‌های مرکزی ایران که حجم آن به ۱/۱ میلیارد مترمکعب در سال می‌رسد، زمینه‌ساز بیابان‌زایی، آلودگی هوا، نابودی کشاورزی، ایجاد بحران‌های غذایی و از میان رفتن محصولاتی شده است که اهواز در تولید آنها سهم زیادی داشته است (العربیه، ۲ نوامبر



۲۰۱۷). رسانه‌ای کردن شعار «سرقت آب اهوازی‌ها را متوقف کنید» از سوی فعالان تجزیه‌طلب در مقابل ساختمان پارلمان اروپا در بروکسل (العربیه، ۲۱ فوریه ۲۰۱۷) و یا شعارهای مشابه در تجمعات داخلی و خارجی از دیگر اقدامات العربیه است.

محورهای کمکی عملیات روانی العربیه

عملیات روانی العربیه بر قوم عرب استان خوزستان، یک بسته محتوایی و رسانه‌ای است که تمرکز این مقاله تنها بر یک محور آن یعنی احساس محرومیت رفاهی قرار گرفته است. بررسی ۲۷۹ مطالب منتشرشده در بخش عربی وبگاه العربیه در دو سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ بیانگر این است که این رسانه عربستان، علاوه بر محورهایی که ذیل متغیر احساس محرومیت نسبی رفاهی ذکر شد، گزاره‌های زیر را نیز در دستور کار قرار داده است تا عملیات روانی منسجم‌تری بر قوم عرب ساکن در استان خوزستان انجام دهد.

- تبعیض نسبت به عرب‌های خوزستان، براساس قانون اساسی نهادینه شده است (العربیه، ۱۹ فوریه ۲۰۱۷).

- در حالی اقوام ایرانی از جمله عرب‌های اهواز، محدود نگه داشته شده و سرکوب می‌شوند که ایران همه امکانات خود را صرف ماجراجویی‌هایش در منطقه کرده است (العربیه، ۱۹ می ۲۰۱۷).

- ایران به صورت تاریخی، منطقه عربی اهواز را اشغال کرده است (العربیه، ۲۰ فوریه ۲۰۱۷).

- جمهوری اسلامی ایران برای مین‌روبی مناطق عرب‌نشین استان خوزستان اهمی ندارد، درحالی‌که در مین‌روبی بخش‌هایی از لبنان، پول زیادی هزینه کرده است (العربیه، ۲۱ ژوئن ۲۰۱۷).

- در زمان ریاست جمهوری حسن روحانی، اعدای‌های عرب در خوزستان افزایش یافته است درحالی‌که او نسبت به محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور سابق ایران، معتدل‌تر توصیف می‌شود (العربیه، ۴ مارس ۲۰۱۷).

- یکی از دلایل حمله گروه‌های مسلح عرب به خطوط انتقال نفت، تبعیض نژادی ایران است (العربیه، ۴ ژانویه ۲۰۱۷).

- اشغال منطقه عربی اهواز توسط ایران باید در سطح اشغال فلسطین توسط اسرائیل، رسانه‌ای شود (العربیه، ۴ دسامبر ۲۰۱۶).

- هر عربی که به وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود اعتراض کند، با سرکوب مواجه می‌شود (العربیه، ۱۹ فوریه ۲۰۱۷).

- مردم عرب خوزستان تنها نیستند و تجمعات پرتعدادی در حمایت از مطالبات آنها و



محکومیت اقدامات سرکوب‌گرایانه ایران، از سوی عرب‌های ساکن در اروپا برگزار می‌شود (العربییه، ۲۱ فوریه ۲۰۱۷).

- سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، از حقوق مردم عرب دفاع می‌کنند (العربییه، ۲۶ اکتبر ۲۰۱۷).

- نماینده عربستان در سازمان ملل، حامی اقوام ایرانی از جمله عرب‌های خوزستان است (العربییه، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶).

- عرب‌های ایران، قردادان حمایت‌های عربستان هستند (العربییه، ۲۶ اکتبر ۲۰۱۷).

- ایران، حتی عرب‌ها را از آموزش با زبان مادری‌شان هم محروم کرده است (العربییه، ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۷).

- ایران با انتقال فارس‌ها به مناطق عربی، در تلاش برای تغییر جمعیتی این مناطق است (العربییه، ۲ آوریل ۲۰۱۶).

- ایران، زمین‌های زراعی عرب‌ها را مصادره می‌کند (العربییه، ۸ دسامبر ۲۰۱۷).

- حتی مردم سوریه و فلسطین هم ایران را برای سرکوب عرب‌های خوزستان محکوم می‌کنند (العربییه، ۲۶ فوریه ۲۰۱۶).

- نفرت از فرهنگ عربی در ادبیات فارسی قابل مشاهده است (العربییه، ۲۹ فوریه ۲۰۱۶).

ایجاد، تقویت و سیاسی‌سازی کنش‌های قومی در عرب‌های خوزستان

اگرچه عملیات روانی العربیه بر قوم عرب استان خوزستان با توجه به احساس محرومیت نسبی این قوم در حوزه رفاهی، به صورت برجسته‌تر در کنش‌های قومی اقتصادمحور موثر است اما واقعیت این است که تأکید بر چنین حسی می‌تواند سایر کنش‌های قومی را نیز موجب شود. بر همین اساس، حتی اگر العربیه بتواند صرفاً گزاره «محرومیت رفاهی مردم عرب خوزستان به دلیل سیاست‌های قومی ایران است» را به مخاطب عرب‌زبان خود القا کند، با ملاحظاتی خواهد توانست علاوه بر دامن‌زدن به طرح تقاضای اقتصادی، گرایش مخاطبان خود به افزایش آگاهی‌های قومی، طرح تقاضاهای سیاسی و فرهنگی، تشکیل احزاب و نهادهای مدنی، تمایل به رفتارهای خشونت‌آمیز و تجزیه‌طلبانه را نیز تشدید کند. این در حالی است العربیه یک بسته محتوایی با محورهای متعدد دارد که به صورت هم‌افزا در پی تشدید کنش‌های قومی است. با توجه به آنچه آمد، بخش عربی و بگانه العربیه با محوریت مواردی که ذیل احساس محرومیت نسبی رفاهی قرار دارند، می‌کوشد کنش‌های قومی زیر را در قوم عرب، برانگیزد.

تشدید طرح تقاضاهای اقتصادی با زمینه قومی؛ تبعیض‌آمیز نشان دادن سیاست قومی



ایران علیه قوم عرب ساکن در خوزستان، به انسجام قومی در طرح مطالبات اقتصادی منجر می‌شود. چنین خطی را می‌توان به‌وضوح در مطالب منتشره در العربیه مشاهده کرد. این وبگاه حتی با پوشش خبری اعتراضات و تجمعات محدود، در پی آن است تا طرح تقاضاهای اقتصادی با زمینه قومی را ترویج کند. از سوی دیگر، انتشار مطالبی درخصوص برخورد نهادهای امنیتی و انتظامی با مطالبه‌کنندگان حوزه اقتصادی و امکاناتی و پیوند این امر به آنچه العربیه سیاست سرکوب‌گرایانه ایران می‌نامد، زمینه تبدیل تقاضاهای اقتصادی به اعتراض‌های ساختارشکنانه از سوی معترضان عرب را فراهم می‌سازد.

افزایش علائق و آگاهی‌های قومی در قوم عرب؛ هر قدر العربیه در القای گزاره تبعیض‌آمیز بودن سیاست قومی ایران در قبال قوم عرب در حوزه اقتصاد و معیشت، موفق عمل نماید، احساس محرومیت نسبی این قوم به‌خصوص با احتساب ثروت عظیم نهفته در استان خوزستان، افزایش یافته و امکان تشدید علاقه آگاهی‌های قومی بیشتر خواهد شد. تشدید علائق قومی در صورتی که مبنای آن، سلبی و در انتقاد و اعتراض به سیاست‌های حاکمیت باشد، می‌تواند مبنایی مهم برای تشدید کنش‌های قومی اعراب و گرایش آنها به رویکردهای تجزیه‌طلبانه باشد.

علاوه بر این دو کنش که تقریباً در تمامی مطالب منتشره در العربیه با محوریت احساس محرومیت نسبی رفاهی قابل ردیابی است، این وبگاه بعضاً می‌کوشد برخی کنش‌های قومی سخت‌تر همچون گرایش به روش‌های خشونت‌آمیز را نیز با زمینه اقتصادی طرح کند. چنین رویکردی، در پی آن است تا پذیرش خشونت و خرابکاری را در میان قوم عرب، سهل‌تر سازد. به‌عنوان مثال، می‌توان به انفجار لوله‌های نفت توسط افراد مسلح وابسته به یکی از گروهک‌های تجزیه‌طلب عرب اشاره کرد. العربیه پس از ذکر این خبر، از شرایط اقتصادی وخیم مردم عرب خوزستان به‌دلیل تبعیض نژادی سخن می‌گوید و تأکید می‌کند که این منطقه، غنی از نفت و گاز است (العربیه، ۴ ژانویه ۲۰۱۷).

عملیات روانی العربیه بر قوم عرب خوزستان و اهداف مرجع

باتوجه به آنچه درخصوص اهداف مرجع در تهدیدات امنیتی ذکر شد و همچنین باتوجه به بررسی مطالب منتشره در وبگاه العربیه، می‌توان گفت عملیات روانی این وبگاه با تمرکز بر احساس محرومیت نسبی رفاهی قوم عرب ساکن در استان خوزستان، موارد زیر را تهدید می‌نماید.

ایده حاکمیت؛ العربیه در عملیات روانی‌اش در قبال قوم عرب ساکن در استان خوزستان در حوزه رفاهی، سیاست‌های ایران را ناعادلانه، تبعیض‌آمیز، سرکوب‌گرایانه و تحقیرکننده هويت قومی اعراب معرفی کرده و در پی آن است تا این رفتارها را نتیجه

ولایت فقیه در ایران تصویرسازی کند (العربیة، ۱۹ می ۲۰۱۷). العربیة در آپریل ۲۰۱۶، با انتشار گزارشی تفصیلی، مدعی شد به طرحی به نام «برنامه جامع امنیتی استان خوزستان» دست یافته است که در شورای عالی امنیت ملی ایران تدوین شده است. این برنامه ادعایی از سوی العربیة، تمامی ایده‌های حاکمیتی درخصوص عدالت، کرامت انسانی و احترام به قومیت‌ها و... را غیرواقعی جلوه داده و بر این محور سامان یافته که جمهوری اسلامی ایران در پی تبعیض و ظلم نظام‌مند به قوم عرب خوزستان است (العربیة، ۲ آپریل ۲۰۱۶).

هویت ملی؛ العربیة در تلاش است تا با روایتی مخدوش از سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران، هویت قومی عرب‌های استان خوزستان را به‌گونه‌ای برجسته سازد تا در تضاد با هویت ملی آنها قرار گیرد. با توجه به اهمیت مباحث اقتصادی و کیفیت زندگی مادی برای عموم انسان‌ها، تمرکز العربیة بر احساس محرومیت نسبی در این حوزه می‌تواند زمینه‌ساز برجستگی اعتراضی هویت قومی قوم عرب در قبال هویت ملی شود. حتی با وجود شیعه‌بودن عمده عرب‌های خوزستان، باز هم العربیة با تمرکز بر مسائل عینی و کارکردی، در پی تضعیف هویت ملی در آنهاست.

فیزیک دولت؛ منظور از فیزیک دولت، زیرساخت‌ها و دارایی‌های عمومی است که مدیریت عالی آن در اختیار دولت و منابع، درآمدها یا خدمات آن متعلق به آحاد ملت است. مشخصاً العربیة با پوشش خبرهای حملات خرابکارانه به لوله‌های انتقال نفت از سوی برخی گروهک‌های مسلح تجزیه‌طلب و برقراری ارتباط معنایی میان این اقدامات با وضعیت اقتصادی قوم عرب، فیزیک دولت را در عملیات روانی خود مورد هجوم قرار داده است. البته چنین هدفی با توجه به دشواری‌های عملیات‌های خرابکارانه و موانع ممکن بر سر پذیرش اجتماعی آن، چندان در العربیة پررنگ نیست.

بقای دولت؛ آنچه در کنش‌های قومی بقای دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تجزیه‌طلبی است که در صورت وجود اراده و کنش‌های عملیاتی جدی، می‌تواند تمامیت ارضی یک کشور را به‌خطر اندازد. در بررسی مطالب منتشره در العربیة، مصادیق مرتبط با حوزه اقتصاد و امکانات لازم برای زندگی با کیفیت، یکی از دلایل و بهانه‌هایی است که در نهایت به القای ضرورت تجزیه‌طلبی ختم می‌شود. بیان آراء برخی گروهک‌های تجزیه‌طلب عربی که به مسائل اقتصادی نیز اشاره می‌کنند، از این منظر محل توجه است.

نهاد‌های اساسی حاکمیت؛ اگرچه در این چارچوب، هر تهدیدی که موجودیت نهاد‌های اساسی حاکمیت مانند رهبری، ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و... را با خطر مواجه کند، تهدید علیه امنیت ملی محسوب خواهد شد، اما با کمی تسامح می‌توان به



مواردی اشاره کرد که موجودیت این نهادها نه به‌لحاظ ساختاری که به‌لحاظ معنایی و اعتباری، در عملیات روانی العربیه مورد هدف قرار می‌گیرد. انتشار گزارشی باعنوان «برنامه جامع امنیتی در استان خوزستان»، منتسب به شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از سوی العربیه و تلاش برای زیرسؤال بردن این شورا، یکی از این موارد است (العربیه، ۲ آوریل ۲۰۱۶). یکی از محورهای این برنامه ادعایی العربیه، مباحث اقتصادی است. حمله به نهاد ولایت فقیه و القای تصویری مخدوش از این نهاد و معرفی آن به‌عنوان عامل اصلی تبعیض نژادی نسبت به قوم عرب و توسعه‌نیافتگی مناطق عرب‌نشین خوزستان، از دیگر مواردی است که العربیه در دستور کار دارد.

نتیجه‌گیری

تغییرات سامانه نظم منطقه‌ای، موجب شده است تا عربستان سعودی در اتخاذ رویکردهای مداخله‌جویانه و خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران مصمم‌تر شود تا زمینه‌بازایی موازنه قوای مطلوب را برای خود فراهم سازد. این مقاله کوشیده است تا با طرح ادبیات موازنه‌سازی، از نگاه منفی این رویکرد که متمرکز بر تضعیف رقیب است، برای تحلیل رفتار عربستان در قبال قوم عرب استان خوزستان بهره گیرد. ذیل چنین رفتاری، تأکید مقاله بر عملکرد بخش عربی وبگاه العربیه در قبال این قوم و با محوریت محرومیت نسبی آن در حوزه ارزش‌های رفاهی است. درواقع، تحلیل محتوای صورت‌گرفته بر مطالب منتشرشده در بخش عربی العربیه در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ گویای این امر است که در حوزه ارزش‌های رفاهی، تمرکز این رسانه سعودی بر مواردی چون: فقر، بیکاری، حقوق‌های معوقه، کمبود آب آشامیدنی و مراکز بهداشتی و همچنین کمبود آب زراعی و مشکل جدی در حوزه هوای تنفسی است. عملیات روانی العربیه بر قوم عرب با عطف به موارد یادشده، برمبنای افزایش انتظارات ارزشی و کاهش توانایی‌های ارزشی سامان گرفته است. درواقع العربیه می‌کوشد با برجسته‌سازی نداشته‌ها و کمبودهای مردم عرب استان خوزستان، انتظارات آنها را با یادآوری مکرر ظرفیت‌های این قوم و استان افزایش دهد تا جایی که فاصله میان توانایی‌های ارزشی و انتظارات ارزشی آنها افزایش یافته و در نتیجه احساس محرومیت نسبی در حوزه ارزش‌های رفاهی تقویت شود. نکته قابل‌تأمل این است که عربستان در اتخاذ چنین رویکردی، از یک بسته عملیات روانی بهره می‌برد. به‌بیان دیگر، العربیه وقتی در پی افزایش احساس محرومیت نسبی در قوم عرب استان خوزستان در حوزه ارزش‌های رفاهی است، می‌کوشد حوزه‌های دیگر از جمله فرهنگی و سیاسی را نیز به‌صورت هم‌افزا طرح کند تا عملاً هویت قومی را در ضمیمه با هویت ملی ایرانی - اسلامی

برجسته ساخته و امکان واگرایی قوم عرب از جمهوری اسلامی ایران را تقویت کند. چنین رویکردی براساس آنچه «تد رابرت گر» مطرح کرده و در رفتار العربیه نیز مشهود است، در پی افزایش نارضایتی و سیاسی‌سازی آن صورت می‌گیرد تا درنهایت، زمینه خشونت جمعی علیه حاکمیت فراهم شود. دستیابی عربستان به این هدف باعث می‌شود تا رویکرد موازنه‌سازی منفی آن در قبال جمهوری اسلامی ایران تقویت شود. مواجهه با چنین رویکردی، نیازمند یک برنامه جامع و هوشمندانه است. این برنامه باید دو محور کلی را دربر داشته باشد؛ نخست اینکه مانع از سیاسی‌شدن نارضایتی‌ها میان قوم عرب شود و غیرسیاسی‌بودن این کمبودها و محدودیت‌ها را برای این خطه از هموطنانمان بازگو و دلایل و آمار را تشریح و روشن‌گری نماید تا اولویت نظام درخصوص وحدت ملی و برادری و برابری در اذهان مردم آشکار و دسیسه‌های این شبکه ضدایرانی برملا شود؛ دوم اینکه دولت و مسئولین با مدیریت جهادی، این خطه از کشورمان را در اولویت طرح‌های محرومیت‌زدایی از استان‌های محروم قرار دهند.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قومیت‌گرایی؛ از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.
- احمدیان، حسن (۱۳۹۵). تحول در سیاست منطقه‌ای عربستان؛ آورده‌های سلمان، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره ۴.
- اکوانی، سیدمحمدالله (۱۳۸۷). گرایش به هویت ملی و قومی در بین عرب‌های خوزستان، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، دوره ۳۶.
- الطائی، علی (۱۳۸۲). بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده و همکاران (۱۳۹۳). بررسی و سنجش هویت قومی ایرانیان، پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده و حیدری، حسین (۱۳۹۳). فراتحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره سوم، شماره ۱۱.
- حاجیانی، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۷). بررسی رابطه هویت ملی و قومی با تأکید بر احساس محرومیت و جامعه‌پذیری قومی: مطالعه موردی دانشجویان آذری، کرد و عرب، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره ۶۳.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰). الگوی سیاست قومی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱ و ۲.
- حسینی، حسین (۱۳۸۸). تهدیدات رسانه‌ای و راهبردهای مقابله، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.



- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴). **اصول و مبانی روابط بین‌الملل (۱)**، تهران: انتشارات سمت.
- ربانی، علی و همکاران (۱۳۸۵). رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی ایران، **فصلنامه مطالعات ملی**، دوره ۱۰، شماره ۳.
- ضیایی‌پور، حمید (۱۳۹۱). **جنگ نرم ۲: ویژه جنگ رسانه‌ای**، تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶). **تهدیدات امنیت ملی**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- کوهن، برنارد ساموئل (۱۳۸۷). **ژئوپلیتیک نظام جهانی**، ترجمه عباس کاردان، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- گر، تد رابرت (۱۳۷۷). **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟**، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی و همکاران (۱۳۸۸). بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز، **فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان**، دوره ۲۰، شماره ۱.
- نجفی فیروزجایی، عباس (۱۳۸۸). نقش گفتمان ملی - قومی در نگاه اعراب به ایران، **پژوهشنامه ۲۱: ایران و اعراب**، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- نواح، عبدالرضا و تقوی‌نسب، سیدمجتبی (۱۳۸۶). تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی، مطالعه موردی اعراب استان خوزستان، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، سال هشتم، دوره ۲.
- نواح، عبدالرضا و تقوی‌نسب، سیدمجتبی (۱۳۸۸). **آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران، بررسی موردی استان خوزستان**. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- خبرگزاری ایسنا (۳ خرداد ۱۳۹۶). **انتقاد نماینده منتخب مردم خوزستان در مجلس خبرگان از وضعیت بیکاری در این استان**، قابل مشاهده در:
<https://www.isna.ir/news/95030301618>
- خبرگزاری ایسنا (۲ دی ۱۳۹۶). **در ۱۰۰ سال گذشته چنین خشکسالی نداشته‌ایم**، قابل مشاهده در:
<https://goo.gl/MsiZbD>
- خبرگزاری ایسنا (۱۷ تیر ۱۳۹۷). **ماجرای آب خوزستان چیست؟**، قابل بازیابی در:
<https://www.isna.ir/news/97041609161>
- خبرگزاری ایسنا (۱۸ تیر ۱۳۹۳). **آمار قابل تأمل خانوارهای خوزستانی تحت پوشش نهادهای حمایتی**، قابل مشاهده در:
<http://iqna.ir/fa/news/1427891>

- خبرگزاری تسنیم (۶ تیر ۱۳۹۶). آیا حق مردم خوزستان آب‌رسانی با تاخیر است؟، قابل مشاهده در: <http://tn.ai/1445624>
- خبرگزاری مهر (۲۲ خرداد ۱۳۹۷). ۹۶ درصد مساحت خوزستان با خشکسالی بسیار شدید درگیر است، قابل بازیابی در: <https://www.mehrnews.com/news/4319662>
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷). چکیده نتایج طرح و آمارگیری هزینه و درآمد خانوار شهری و روستایی سال ۱۳۹۶، قابل بازیابی در: <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1396/chhvdsh-rs96.pdf>
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). نتایج آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۶، قابل بازیابی در: https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1396/n_nank_sal96.pdf
- العربیه (۸ دسامبر ۲۰۱۷). تظاهرات بالأهواز احتجاجاً علی مصادره ایران آراضی عربیه، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/8e2v6>
- العربیه (۲ نوامبر ۲۰۱۷). أزمات المياه والبيئة والتصحّر في إيران، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/5fbfm>
- العربیه (۲۶ اکتبر ۲۰۱۷). مقررّة الأمم المتحدّة: الانتهاكات مستمرّة في إيران، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/9emaq>
- العربیه (۲۶ اکتبر ۲۰۱۷). الأهواز یون یرحبون بوقوف السعودیة معهم ضد القمع الإیرانی، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/njugd>
- العربیه (۲۲ سپتامبر ۲۰۱۷). الأهواز یون وقومیات ایران یطلقون حملة التعليم بلغة الأم، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/bnnck>
- العربیه (۲۱ ژوئن ۲۰۱۷). الألفام سلاح طهران لإبادة الشعب العربی الأحوازی، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/bejmb>
- العربیه (۱۹ می ۲۰۱۷). هل تحولت تجربة ولاية الفقيه إلى عبء أممی؟، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/zfena>
- العربیه (۴ مارس ۲۰۱۷). قاهرو المشانق، قابل مشاهد در: <http://ara.tv/my6pd>
- العربیه (۲۸ فوریه ۲۰۱۷). شاهد وحشیة تعامل الأمن الإیرانی مع الأهوازیین، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/8smhq>
- العربیه (۲۱ فوریه ۲۰۱۷). تظاهرات للتضامن مع الأحواز أمام مقر الاتحاد الأوروبي، قابل مشاهد در: <http://ara.tv/zak6y>
- العربیه (۲۰ فوریه ۲۰۱۷). الأحواز.. الراية العربیة، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/7254v>
- العربیه (۱۹ فوریه ۲۰۱۷). احتجاجات الأحوازیین ضد طهران مستمرّة، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/muuzz>



- العربيه (١٤ فوريه ٢٠١٧). الأهوازيون يتظاهرون لليوم الثاني لانعدام الخدمات، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/72pf2>
- العربيه (١١ فوريه ٢٠١٧). انقطاع الماء والكهرباء يغلق المدارس والدوائر في الأهواز، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/g5jdd>
- العربيه (٤ ژانويه ٢٠١٧). تحرير الأحواز " تفجر أنابيب نفط وإيران تختار الصمت، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/ggapd>
- العربيه (٨ دسامبر ٢٠١٦). بالصور.. مظاهرات في الأهواز ضد حرف الأنهر وتدمير البيئه، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/vup3j>
- العربيه (٤ دسامبر ٢٠١٦). انطلاق المؤتمر الأول للأحوازيين في المغرب العربي، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/b67tq>
- العربيه (٢٣ نوامبر ٢٠١٦). الأهوازيون يتحدون سلطات إيران ويحتجون ضد زيارة روحاني، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/wbfn>
- العربيه (١٦ نوامبر ٢٠١٦). المعلمي: إيران تتستر على جرائمها في الأحواز، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/4mcd>
- العربيه (٥ نوامبر ٢٠١٦). إيران تطرح مشروعاً أمنياً جديداً لاحتواء الحراك الأهوازي، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/8x3sv>
- العربيه (١٩ جولای ٢٠١٦). ماذا لو كانت إيران مسالمة؟، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/jjeqr>
- العربيه (٢ أبريل ٢٠١٦). وثيقة مسربة حول "مشروع أمني" للقضاء على العرب في إيران، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/yw7wq>
- العربيه (٢٩ فوريه ٢٠١٦). كره إيراني مريض، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/z5a2g>
- العربيه (٢٦ فوريه ٢٠١٦). الأحوازيون يتظاهرون أمام الجنائيه الدولية ضد إيران، قابل مشاهده در: <http://ara.tv/8weyu>
- Steff, Reuben and Khoo, Nicholas (2014). "Hard Balancing in the Age of American Unipolarity: The Russian Response to US Ballistic Missile Defense During the Bush Administration (2001-2008)", The Journal of Strategic Studies, 37 (2).
- Gurr, Ted Robert (2000). Peoples Versus States, Washington: Us Institute For Peace Research.
- Daugherty, W and Janowitz, M (1958). A Psychological Warfare Casebook, New York: Johns Hopkins Press.
- Maoz, Zeev (2004). Building Regional Security in the Middle East: International, Regional and Domestic Influences, London, Frank Cass.

- Al-Rasheed, Modawi (2015). Saudi Arabia's Foreign Policy: Loss without Gain?, In The New Politics of Intervention of Gulf Arab States, LSE Middle East Center.
- Obaid, Nawaf (2014). A Saudi Arabian Defense Doctrine, Belfer Center for Science and International Affairs.

